

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

راه و رسم سخاوت

راه محبوب شدن

بهترین راه و رسم محبوب شدن در میان خلق و جلب محبت خالق اعظم، همانا احسان و اکرام است. آن کسی که خواستار است مفهوم خطاب و لقد کرمننا بنی آدم، آدمی را با خلعت کرامت آراسته کردیم (الاسراء - ۷۰) آراسته شود، آن کسی که می خواهد در میان مردم زمان خود در بین معاشرین، آشنایان و آن کسان که در زندگی با آنها مربوط است، دارای شخصیت و محبوبیت و قدرت گردد، آن کسی که می خواهد خداوند او را دوست بدارد و بندگان خداوند نیز وی را دوست داشته باشند، بایستی سخاوت داشته باشد.

شرایط سخاوت

اما سخاوت شرایطی دارد. تاکنون خواننده و شنیده اید که برای سخاوت مثلثی می زنند و اشخاصی را از قبیل حاتم طائی و معن ابن زائد شاهد می آورند و در حق آنها مطالبی حقیقی یا افسانه می گویند و به عنوان درس سخاوت به مردم تلقین می کنند.

داستان حاتم طائی

مثلاً کسی به نزد حاتم طائی آمد. اسب محبوب او را که ده ها هزار دینار می ارزید و حاضر نبود به هیچ قیمتی از آن جدا شود، خواستار گردید. شب که وارد شد چون حیوان دیگری در دسترس نبود، حاتم دستور داد، آن اسب را ذبح کنند و برای مهمان شام تهیه نمایند و بعداً که مهمان مقصود خود را بیان کرد، حاتم با عرض مراتب تأسف گفت که همان اسب را دیشب برای تهیه غذای تو ذبح کرده ام.

داستان معن ابن زائد

یا درباره معن ابن زائد می گویند که شاعری در پشت قصرش در کنار جوی آبی که داخل قصر می شد، نشسته بود و قصیده ای در مدح او گفت و روی آب گذاشت. معن در داخل قصر کنار جوی بود و وقتی که آب شعر را آورد، هدیه بزرگی برای شاعر فرستاد. شاعر وقتی این جود را دید، عمل را تکرار کرد و باز جایزه ای دریافت نمود و آنقدر این کار تکرار شد که معن گفت: اگر تمام زندگی مرا می خواست، به او می دادم.

داستان پیرزن

یا درباره پیرزن صحرائشینی می گویند که تمام دارائش فقط یک بز بود که از شیر آن زندگی می کرد و هنگامی که شبی مهمانانی به او رسیدند (که حاتم هم جزء آنها بود) چون چیزی برای پذیرایی آنها نداشت، دستور داد پسرش همان بز را بکشد و نزد مهمانان آورد. حاتم تصدیق کرد که این زن از وی سخی تر است.

اینها سخاوت نیست

بطور خلاصه با ذکر این گونه امثله که به منظور درست کردن مقام برای حاتم طائی و دادن سرمشق برای سخاوت است، می خواهند راه و رسم جوانمردی را بیاموزند، در حالیکه اگر افراد بشر تصمیم بگیرند که از این روش تبعیت نمایند، کارشان به تباهی می کشد. زیرا این اعمال سخاوت نام ندارد، بلکه روش جنون (سادیسیم) است. اگر کسی به خاطر یکشب پذیرایی از مهمان، یک مالی را که چندین هزار دینار می ارزد، از بین برد یا یگانه مایه زندگی خود را بیفکرانه و دیوانه وار بکشد، نام این را جز جنون چه باید گذارد؟ اگر به خاطر پرداخت صله به یک شاعر بیکار تمام ثروت خود را می بخشد، آیا روش عقل و خرد است؟ اگر اینها را خرد بنامیم، اسم عقل را رسوا کرده ایم.

اسراف و تبذیر است

اگر اینها را سخاوت می نامند، پس اسراف و تبذیر که در همه ادیان و روشهای اخلاقی تقبیح شده، چیست؟ مگر نه آن است که در قرآن فرموده: ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين (الاسراء - ۲۷) اسراف کاران برادران شیطان هستند.

داستان است نه حقیقت

این قبیل امثله که به خیال خود برای هدایت بشر و دادن سرمشق سخاوت ساخته اند، صحیح نیست. به همین دلیل است که اثر خود را نبخشیده و تنها به عنوان یک داستان شیرین، برای وقت گذرانی مورد استفاده قرار گرفته و آموزنده اخلاق نبوده است.

سخاوت نه اسراف

سخاوت عمل بسیار خوبی است ولی جنبه افراطی آن که تبذیر و اسراف نام دارد، نه تنها مستحسن نیست، بلکه بسیار زشت است، زیرا بر هم زنده نظم زندگی و از بین برنده تعادل و مانع گذشتن عمر به خوشی و راحتی و باعث ایجاد دردسر و رنج و انواع و اقسام ناراحتیها است.

اعتدال در سخاوت

در سخاوت باید اعتدال را نگاه داشت و با حساب صحیح و منظم زندگی باید مقرون باشد و مانع نظم اقتصادی خانوادگی نگردد. درباره تنظیم زندگی اقتصاد خانواده بعداً به تفصیل در کتاب خاصی بحث خواهد گردید و این روش اقتصادی وحدت خواهد بود، که زندگی خانواده ها را نظم می بخشد و با آن نظم زندگانی اجتماع هم منظم خواهد شد.

تنظیم بودجه زندگی

وقتی بودجه خانوادگی بر اساس این نظم درست و صحیح که با حساب ریاضی منظم می گردد، مرتب گردید و سهم هر فرد از مرد و زن و اطفال معین شد، شخص اگر خواست و توانست از سهمیه خود که مازاد بر احتیاجات ضروری اوست ببخشد و احسان کند، بسیار خوب و بجا است و تجاوز کردن از آن و مخصوصاً بخشیدن از سهمیه زن و فرزند یعنی حق دیگران، نه تنها سخاوت نیست بلکه تجاوز به حق کسان است. این موضوع در کتاب اقتصادی با تفصیل بیشتر بیان خواهد شد.

سخاوت نهانی

نکته دیگری که باید در سخاوت مورد توجه گردد، سخاوت نهانی است. هر چند وحدت مخالف با عمل خیر به طور علنی نیست بلکه آن را تجویز می کند و موافق است که از آنهایی که اعمال خیر انجام می دهند، تشویق و تقدیر به عمل آید تا سرمشق سایرین گردد و عمل خیر شایع شود و در جهان نظیر بسیار پیدا کند. اما کسانی که حس خداپرستی و انسانیت آنها قویتر است و مایلند فقط به خاطر خدا و شرافت بشریت عمل خیر انجام دهند، سخاوت خود را پنهانی به صورت عمل در می آورند و حتی کاری می کنند که آن کس که متنعم از لطف آنها شده است، مطلب را نداند و نفهمد که چه کسی به آنها صحبت و کرم کرده که از بیان تشکر علنی هم معاف باشد.

یک داستان آموزنده

یکی از نویسندگان در شرح حال خود می نویسد که روزی از کنار چمنی عبور می کردم. فقیر ژنده پوشی را دیدم که از سر و لباس استیصال و بیچارگی اش نمایان و قیافه پژمرده و نحیف و رنگ پریده اش نشان می داد که مدتها است غذای سیر نخورده و محرومیت بسیار کشیده است. او خفته بود و سنگی به زیر سر نهاده. خیلی دلم می خواست کمکی به او کنم. ابتدا خواستم بیدارش کنم، ولی بارقه انسانیت بر سرم نهیب زد که اگر کمک پنهان کنی بسی بهتر است. پولی که کفاف چندین روز خرج او را می کرد، برداشتم و آهسته در جیب شلوار او که همچنان دهانه اش باز مانده بود، گذاردم و با قدمهای خیلی نرم از آنجا دور شدم.

حفظ عزت نفس دیگران

آن وقت با خود فکر کردم که این بیچاره وقتی با نومییدی از خواب بر می خیزد و نمی داند که برای ادامه زندگی خود چه کند، بر حسب اتفاق دست بر جیب خود خواهد کرد و ناگاه خش خش کاغذی را در نوک انگشتان خود حس می کند. کنجکاویش تحریک

می شود، آن را بیرون می آورد و یکباره با یک اسکناس که کفاف زندگی چندین شبانه روزش را می دهد، مواجه می شود. در آن حال چه فکر می کند و در چه اندیشه هایی فرو می رود، کاری ندارم، همین اندازه می دانم که یک شغف زائدالوصف به او دست می دهد، هم خوشحالی سراپای وجودش را می گیرد و آنگاه که مدتی با فکر خوش، به آینده ای که با آن پول خواهد گذراند، سرگرم شد، آنگاه به فکر کسی که چنین عمل خیری درباره او کرده می افتد.

بالاتر از پول

او کسی را نمی بیند که از او تشکر کند و احتیاجی نمی بیند که شخصیت و عزت نفس خود را برای بیان امتنان و قدردانی کوچک سازد. خیر، احتیاج به لفظ تشکر و بیان شکر ندارد، اما دل او مالمال از امتنان است و قلبش مقرون با یک دنیا شکر می طبد. شکر نسبت به کی؟ نسبت به یک انسان، نسبت به یک نیکوکار ناشناس، نسبت به یک برادر ناشناخته بشری که دست کمک دهنده اش را به سوی برادر محتاجی دراز کرد.

اثر موج عظیم تشکر

حال می گویم، این موج عظیم تشکر که در دریای وجود این شخص به وجود آمده و این خوشحالی بسیار که سیاله های آن سراسر کالبد یک بشر را احاطه کرده است، بی اثر نیست. چون عالم وحدت است و همه به هم اتصال دارند. این سیاله ها از وجود این شخص تجاوز می کنند و چون هیچ چیزی در عالم بی حساب نیست، در هر کجای جهان با هر فاصله و مانعی که باشد وجود نیکوکار مسبب تشکیل این حالت را پیدا خواهد کرد و او را غرق در موج خود خواهد ساخت و خشنودی خداوند به همراه این سیاله است.

موج قدردانی

به همین لحاظ است که در وجود شخص نیکوکاری که ناشناس عمل خیر انجام داد، آن چنان شغف و نشاط ملکوتی در ضمیر باطن خواهی یافت، که نظیر آن را در هیچ جای دیگر و هیچ حال دیگر نمی توان جست. اگر چنین حالت سرور و رضایت باطن و تسکین قلب و نشاط روحی در بین نبود، کسی حاضر به انجام اعمال خیر نمی شد. اگر نیکوکاریهای نهانی در جامعه صورت می گیرد و ما آن را می شنویم، اگر فداکاری از اشخاص در راه انجام عمل خیر صورت می گیرد که از مایه آسایش و لذت خود می برند و ناشناس در دریای نیکوکاری جاری می سازند بدون اینکه حتی منتظر لذت حق شناسی و تقدیر باشند، همه بخاطر آن مسرت و رضایت باطنی است که در ضمیر باطن اشخاص پدید می آید.

آنها که لذت نچشیده اند

اما آنهایی که این لذت را نچشیده و درباره آن بررسی نکرده و به آن نزدیک نشده اند، نمی توانند مزه آن را بدانند. مثلی عامیانه می گوید: «حلوای طنطنانی تا نخوری ندانی» اعمال خیر خالص نیز همین حال را دارد و تا کسی مزه آن را نچشد به شیرینی آن پی نمی برد.

بیان و سخن ما هم به خاطر همین است که اشخاص را تشویق به قبول اینگونه اعمال ملکوتی سازد، تا خیر و خوبی در جامعه تعمیم یابد و یک اجتماع ایده آلی در جهان به وجود آید.

اعتدال در همه چیز

همان طور که در بالا بیان گردید، در سخاوت نیز مانند سایر صفات بایستی جنبه اعتدال رعایت گردد. همه ادیان درباره سخاوت کم و بیش سخن گفته و آن را توصیه کرده اند و هر یک به نحوی آن را ستوده اند، اما وقتی دستورات همه آنها را روی هم جمع کنیم و معدل همه را بگیریم، یک اعتدال پاکیزه درخشنده از آن بیرون می آید، که دستور برای بشریت است و این هم یکی از فواید بزرگ اتحاد و اتصال ادیان می باشد.

یک دستور عملی

قبل از خاتمه دادن به این بحث می‌گوییم: ای دوست عزیز، هرگاه سخاوت را پیشه خود ساخته و خواستید آن را عملی سازید، بهترین راه این است که برای یک شخص درمانده محتاج سرمایه ای به عنوان قرض تهیه کنید و مطابق با استاندارد و توانایی و ذوق و قدرت عمل او دکانی برایش باز کنید یا کسب کوچکی تهیه نمایید و او را به کسب و کوشش و سعی و عمل وادار سازید. این گونه سخاوت بهتر است، بلکه بهترین انواع سخاوتها است، زیرا باعث نجات اشخاص خواهد شد.

فواید این عمل

از فواید مهم آن این است که اثرش مداوم است نه موقت، زیرا کمک پولی در اندک مدتی تمام می‌شود اما کسب ادامه دارد. دیگر این که شخصی را از تنبلی می‌رهاند و به سعی و عمل وادار می‌سازد. دیگر آنکه شرافت و عزت نفس را در وی پرورش می‌دهد. به غیر اینها اگر سرنوشت شخص در این عمل باشد، راه ترقی را برای او باز می‌کند و وسیله فراهم می‌شود که شخص به سرنوشت خود نائل آید. این است بهترین راه انجام سخاوت که رادمردان و خدا دوستان پیش می‌گیرند. خداوند یار و یاور و پشتیبان شما باشد و همیشه در امور خیر از مدد و لطف یزدانی بهره مند باشید. خلاصه مطالب بالا در یک رباعی:

اگر خواهی که انسانی منظم در جهان باشی	شکوفان خلائق در زمین و هم زمان باشی
محب خالق و محبوب قلب این بشر گردی	سخاوت بایدت به اعتدال و در نهان باشی